

**Investigating the preference of women activists in family formation with
emphasis on the concept of selectivity**

Mohammad Hossein Shahabadi¹
Hossein Bostan Najafi²

Received: 15/02/2021

Accepted: 16/01/2022

Abstract

The importance of the family has long been important - even in the unbridled societies of the West and the East - but the family today seems to have changed. So that in modern families, the role of families in marriage is very minimal. In the traditional family, families, especially the father, had the most role and the daughter played a very small role. So he had to wait for the suitors and if the suitor did not come, he either had to form his own undesirable family or choose celibacy, in which the father's opinion played a key role. Accordingly, the present article seeks to ask whether female activism is preferable in family formation or not?. Therefore, by examining religious sources, he deals with "proving the preference of women's electors with the help of religious sources" and then proves the "preference of women's electors using social science theories", which are: communication arguments (communication action) Habermas), intellectual (combination of right and duty), educational (relationship between coach and educator) and economic (adaptation theory) and finally concludes that in today's society, women activists in the formation of the family is preferable to traditional and modern methods. Finally, by examining the harms, he proposes a favorable model of female activism in forming a family based on "choice by the girl" and "courtship by the boy".

Keywords: selectivity, female activism, marriage, family formation, stable family.

1. PhD in Culture and Communication, Baqer al-Uloom University, Qom, Iran (responsible author) (mh.shahabadi@gmail.com)

2. Associate Professor and Faculty Member, Department of Sociology, Seminary and University Research Institute, Qom, Iran (hbostan@rihu.ac.ir)

بررسی رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده با تأکید بر مفهوم انتخابگری

محمدحسین شاه‌آبادی* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

حسین بستان نجفی** تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

چکیده

اهمیت خانواده از دیرباز - حتی در جوامع لجام‌گسیخته غربی و شرقی - امری مهم و بدیهی بوده است، اما به نظر می‌رسد خانواده امروزی دستخوش تغییراتی شده است؛ به طوری که در خانواده‌های مدرن نقش خانواده‌ها در ازدواج بسیار حداقلی شده است. در خانواده سنتی نیز خانواده‌ها و به‌ویژه پدر بیشترین نقش را داشتند و دختر نقش بسیار کمی ایفا می‌کرد. او باید منتظر خواستگاران می‌ماند و اگر خواستگار مطلوبی نمی‌آمد یا باید خانواده نامطلوب خود را تشکیل می‌داد یا مجرد را برمی‌گزید و در این بین نظر پدر نقش اساسی داشت. بر این اساس، مقاله حاضر به دنبال این پرسش است که آیا کنشگری زن در تشکیل خانواده رجحان دارد یا نه؟

این مقاله با بررسی منابع دینی به «اثبات رجحان انتخابگری زن با کمک‌گرفتن از منابع دینی» می‌پردازد و پس از آن «رجحان انتخابگری زن با استفاده از نظریات علوم اجتماعی» را اثبات می‌کند که عبارتند از: ادله ارتباطی (کنش ارتباطی هابرماس)، عقلی (تلازم حق و تکلیف)، تربیتی (رابطه مربی و متربی) و اقتصادی (نظریه تطبیق) و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در شرایط امروز جامعه، کنشگری زن در تشکیل خانواده نسبت به روش سنتی و مدرن رجحان دارد. در پایان نیز با بررسی آسیب‌ها، الگوی مطلوب کنشگری زن در تشکیل خانواده را براساس «انتخابگری توسط دختر» و «خواستگاری توسط پسر» پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: انتخابگری، کنشگری زن، ازدواج، تشکیل خانواده، خانواده پایدار.

* دکترای فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول) mh.shahabady@gmail.com

** دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران hboostan@rihu.ac.ir

مقدمه

در نگاه ابتدایی، ازدواج امری ساده و مرسوم می‌نماید؛ شاید به این دلیل که از دیرباز در تاریخ زندگی بشر رواج داشته و مشترکات زیادی در بین انواع تشکیل خانواده وجود دارد، اما با مطالعه دقیق‌تر به نظر می‌رسد اختلاف‌های سبک‌های همسرگزینی و تشکیل خانواده کمتر از اشتراکات آن نباشد. در این بین، سه نوع سبک زندگی ایرانی، غربی و اسلامی نیز تعریف مخصوص به خود را از ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی ارائه داده‌اند که شاید وجه تمایز آن‌ها هنوز به درستی شناخته نشده باشد. تا حدی که بسیاری از زندگی‌های به ظاهر دینی، رنگ‌وبوی ایرانی یا غربی دارد و فقط در برخی مناسبت‌ها و مراسم از احکام شرعی پیروی می‌کنند.

باید توجه کرد الگوی ازدواج در جامعه امروز به‌طورکلی بیشتر سنتی است نه دینی و آنچه از تغییرات مشاهده می‌شود، تأثیر فرهنگ غرب است که سعی دارد خانواده‌ها را از تشکیل تا جدایی مدرنیزه کند، اما خانواده از نگاه اسلام الگو یا الگوهای دیگری دارد که با رویکرد سنتی و مدرن متفاوت است. در نگاه سنتی دختر حق انتخاب ندارد و بدون حضور در جامعه باید منتظر باشد که انتخاب شود. او تنها می‌تواند از بین خواستگاران موجود، یکی را برگزیند. «این الگو آزادی مردان و زنان در انتخاب همسر را به گونه‌ای نابرابر رقم می‌زند» (بستان، ۱۳۸۸: ۱۴)؛ چراکه مرد گزینه‌های فراوانی را در انتخاب برای خود فراهم می‌بیند ولی زن صرفاً می‌تواند اعلام آمادگی کند و حداکثر از بین چند خواستگار یکی را برگزیند. مهم‌تر از همه آن است که اگر دختر خواستگاران خود را نپسندد و یا به دلیلی (چون ضعف‌های جسمی چاقی و لاغری و...) خواستگار نداشته باشد، یا باید تجرد دائمی را قبول کند و یا تن به ازدواج نامناسب دهد.

از سوی دیگر دختران امروز خواه‌ناخواه کنش بیشتری می‌کنند که این ریشه در تأثیرپذیری از غرب دارد. در نگاه مدرن، دختر آزادانه در جامعه حضور می‌یابد و گمان می‌کند که در انتخاب همسر آزاد است، اما به واسطه پوشش آزاد عموماً توسط مردان انتخاب می‌شود و از بین آنان، یک یا چند نفر را برمی‌گزیند. در واقع دختر غربی نیز اول انتخاب می‌شود و از بین انتخاب‌کننده‌ها انتخاب می‌کند که این نیز همان وضعیت نامطلوب را در پی خواهد داشت. با این تفاوت که دختر غربی ابتدا این احساس را ندارد

ولی وقتی وارد زندگی شد متوجه آن می‌شود و زندگی را متلاشی می‌کند؛ از این رو آمار طلاق به نسبت ازدواج در غرب بیشتر از ایران است (محزون، ۱۳۹۱). دختران امروز جامعه ایرانی نیز با همین نگاه سعی می‌کنند فعال‌تر باشند و نقش بیشتری در انتخاب‌های مربوط به خود داشته باشند؛ بنابراین جای آن خالی است که وضعیت کنشگری آن‌ها مطالعه شود و پیشنهادهایی برای اصلاح یا کم‌کردن انحراف ارائه شود. مقاله حاضر درصدد است برای برون‌رفت از این مسئله کنشگری زن در تشکیل خانواده را پیشنهاد کند و با بررسی منابع دینی و ادله جامعه‌شناختی ببیند این نوع کنشگری در اسلام رجحان دارد یا خیر؟

۱. چهارچوب مفهومی

۱-۱. کنشگری

براساس اندیشه وبری، کنش مطلوب ناظر به کنش عقلانی است و کنش‌های عاطفی یا سستی به خاطر اینکه ناظر به هدف یا ارزشی نیستند، از مطلوبیت کمتری برخوردارند و علی‌القاعده کنشگری مطلوب از نگاه وبر کنشگری عقلانی است. هرچه رفتار عقلانی‌تر باشد، فعالانه‌تر است و هرچه به سمت عاطفی یا سستی برود، منفعلانه‌تر خواهد بود؛ از این رو دخترانی که به ظاهر نقش فعال دارند اما عقلانی رفتار نمی‌کنند یا چه‌بسا رفتارشان از روی عشق کورکورانه (از نوع عاطفی) است، کنشگری مطلوب ندارند (وبر، ۱۳۷۴: ۷۲-۷۱).

در نگاه پارسونز نیز کنشی که عام‌گرا، دارای بی‌طرفی عاطفی، مبتنی بر فایده و جامعیت ویژگی باشد، فعالانه‌تر می‌شود (شفق، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، اما براساس کنش ارتباطی هابرماس، کنش فعال کنشی است با منشأ معانی «زیست‌جهان» که در سه جهان ذهنی، عینی و اجتماعی ارتباطی برابر و مبتنی بر «مفاهمه» برقرار می‌کند و دارای سه داعیه واقعیت، صحت و صداقت است (رایزر، ۱۳۹۱: ۳۳۰-۳۲۹). در این بین می‌توان کنش ارتباطی دعوتی با منشأ معانی «فطرت» را که در چهار جهان ذهنی، عینی، اجتماعی و مقصود، ارتباطی برادرگونه و مبتنی بر «تفاهم» برقرار می‌کند و دارای چهار داعیه واقعیت، صحت، صداقت و حقیقت است، تعریف کرد (غمامی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

مقاله حاضر برای کنشگری زن در تشکیل خانواده، با تأکید بر «انتخابگری» اصرار دارد آن را از خواستگاری تفکیک کند چراکه انتخابگری امری ذهنی و خواستگاری امری عینی است؛ بنابراین می‌توان انتخابگری را به عهده زن و خواستگاری را به عهده مرد گذاشت تا عوارض نامطلوب خواستگاری کردن زن از مرد پدید نیاید. در بخش آخر در این مورد بیشتر صحبت خواهد شد.

۲-۱. زن

زن را در لغت به معنای نقیض مرد و مطلق فردی از افراد اناث می‌گویند، خواه منکوحه باشد و خواه غیرمنکوحه (دهخدا، ۱۳۷۳). این تعریف در فرهنگ‌های مختلف دارای جهت‌گیری‌های متفاوتی است که جایگاه و ارزش زن را در آن فرهنگ‌ها نشان می‌دهد. مثلاً زینت کوثر با بررسی آرای همه اندیشمندان سیاسی غرب به این نتیجه می‌رسد که «تفکر سیاسی غرب ذاتاً زن‌ستیز است» (شیر، ۱۳۷۹: ۳۲)، درحالی‌که غرب ادعا می‌کند اسلام جنس زن را پست‌تر از مرد می‌داند. آیت‌الله جوادی‌آملی می‌نویسد: اگر از این شواهد (عنایات دین به زن)، عظمت زن و برتری او نسبت به مرد را استنباط نکنیم لاقلاً بدیهی است که دین، عنایت خاصی به زن دارد. البته زنان باید موقعیت خود را درک کنند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۷). ایشان تأکید می‌کند که در نگاه اسلام، این نعمت‌ها بی‌جهت نیست و لازم است زن نگاه مسئولانه به آن‌ها داشته باشد. «می‌توان ادعا کرد که ذات اقدس الهی براساس این روایت (فَأَنْهَنَ مَسْئُولَاتٍ) اصرار بر این دارد که زن با تمام اعضای بدنش بنده حق باشد و به همین دلیل او را شش سال قبل از مرد مورد عنایت خود قرار داده است» (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

زن مسلمان و مؤمن، علاوه بر اینکه خود را امانت الهی می‌بیند، نعمت‌هایی را که در اختیار اوست، امانت می‌داند و از این رو نسبت به آن‌ها «مسئول» است. با این نگاه است که در فرهنگ دینی و ادبیات اسلامی می‌توان دو مفهوم «زایش» و «رویش» را نیز به زن نسبت داد. این تعریف در اسطوره‌ها و فرهنگ‌های پرقدمت نیز به چشم می‌خورد (خوش‌منش، ۱۳۸۹: ۸۸-۸۹). علامه حسن‌زاده می‌فرماید: «اگر تأمل شود معلوم می‌شود که هر عقلی قلم است و هر نفسی لوح و همچنین هر مافوقی نسبت به مادونش که آن

واهب است و این متهب، آن قلم و این لوح است. معلم و متعلم آن قلم است و این لوح و هر فاعلی قلم و هر منفعلی لوح است. آدم قلم و حوا لوح است. آسمان مرد و زمین زن در خرد. هرچه آن انداخت این می‌پرورد. پس آسمان قلم و زمین لوح است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مظهر عقل کل، و سیده نساء العالمین فاطمه صدیقه مظهر نفس کل است و عقل و نفس قلم و لوح‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵: ۴۲۷).

تأکید مقاله بر آن است که زن مسلمان را نسبت به خود و نعمت‌هایش امین و مسئول قرار دهد و بر این اساس، بیشتر از آنکه آنان را متوقع دریافت محبت و امکانات ببیند، جایگاه منبع رویش و زایش محبت برایشان قائل شود. در آن صورت می‌توان گفت زن «چشمه محبت» (در مقابل تشنه محبت) و عامل تحکیم و تعالی نهاد مقدس خانواده است.

۲. روش انجام تحقیق

این مقاله شامل دو بخش است: بخش نخست بررسی رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده در منابع دینی و دوم بررسی رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده در علوم اجتماعی است. بخش اول با مروری بر آیات و روایات و بررسی مصادیق قرآنی و روایی به دست می‌آید و در بخش دوم ادله اجتماعی محور قرار گرفته است تا مشخص شود در وضعیت اجتماعی امروز آیا دلیلی بر این رجحان وجود دارد یا خیر. با این رویکرد چهار دلیل که رویکرد اجتماعی دارد، مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) نظریه کنش ارتباطی هابرماس؛ (۲) تلازم حق و تکلیف؛ (۳) رابطه مربی و متربی؛ و (۴) نظریه تطبیق در نظریه‌های اقتصادی. هریک از این ادله در جای خود بحث خواهد شد.

۳. پیشینه پژوهش

مروری بر تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد پژوهشی که به نقش زنان در ازدواج به صورت مستقیم پرداخته باشد، وجود ندارد و صرفاً تحقیقاتی نزدیک به این موضوع قابل بررسی است که در ادامه می‌آید.

مرتضی رحیمی در مقاله «بررسی علل دوام زندگی زناشویی با تأکید بر نقش زن در دوام ازدواج» به این نتیجه رسید که با افزایش هرکدام از ویژگی‌های قابلیت اعتماد و اتکا، نگرش مثبت، حل تعارض‌ها، نگرش مثبت به مسائل مالی، توافق در زمینه نحوه گذراندن

اوقات فراغت، روابط جنسی، مسائل مربوط به فرزندان، بستگان و دوستان، اشتراکات مذهبی و شناخت نسبت به همسر، دوام زندگی زناشویی بیشتر خواهد بود (رحیمی، ۱۳۹۶: ۱۵۵). این تحقیق به دوران بعد از ازدواج می‌پردازد نه تشکیل خانواده، کمتر به نقش زن پرداخته و صرفاً نگرش زنان را مورد مطالعه قرار داده است.

در تحقیق «تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی»، ساروخانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تحلیل گفتمان الگوهای خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی پرداخته‌اند. در این مقاله از طریق روش تحلیل گفتمان پنج الگوی خانواده پُست‌مدرن، تجددگرا، در حال گذار، سنتی و اسلامی متناظر با جامعه کنونی ایران بررسی شده است. این مقاله در بررسی سبک‌های همسرگزینی بسیار راهگشاست اگرچه به موضوع کنشگری به‌درستی نمی‌پردازد.

نریمان محمدی در مقاله «فضای مجازی و بازتعریف نقش‌های جنسیتی؛ برساخت تعارض‌های زنانگی در فیسبوک گُردی» با روش مردم‌نگاری انتقادی مجازی به این نتیجه رسیده است که زنان در فیسبوک گُردی دو بعد اصلی از زنانگی را برساخت می‌کنند: نقد بستر ساختار مردسالارانه و ستایش کنشگری زنانه. نویسنده در بسترزدایی فرهنگی از زنانگی، یکی از انتقادهای زنان را نگاه مردسالارانه به ازدواج می‌داند (محمدی، ۱۳۹۷: ۶۵). این مقاله درخواست نسل جدید زنان را برای کنشگری بیشتر اثبات می‌کند؛ هرچند ممکن است نگاه آنان به کنشگری مطلوب نباشد.

مقاله «بررسی عوامل مؤثر گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان» نوشته نگین برات‌دستجردی به این نکته رسیده است که عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی - فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، و تکنولوژیکی با گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان مرتبط بوده و عامل «اجتماعی - فرهنگی» بالاترین و «اقتصادی» کمترین علل گرایش به ازدواج‌های اینترنتی در بین دانشجویان بوده است (برات‌دستجردی، ۱۳۹۱)؛ اگرچه این مقاله با رویکرد آسیب‌شناسانه به ازدواج اینترنتی نگاشته شده است، اما نشان می‌دهد تشکیل خانواده در فضای مجازی، امروزه به یک مسئله تبدیل شده و الگوهای کنشی متفاوتی را از طرف پسر و دختر به ارمغان آورده است.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. بررسی رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده با استفاده از منابع دینی

در این بخش برای روشن شدن رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده، مصادیق قرآنی و روایی بررسی شده است:

۴-۲. بررسی انتخابگری زن در مصداق‌های قرآنی

در داستان ازدواج حضرت موسی (علیه السلام) آمده است که بعد از اینکه از نزد فرعون به سوی مدین فرار کرد، در راه دو زن را دید که گوسفندان‌شان را از ورود به آبشخور بازمی‌دارند تا مردها بروند و این‌ها بتوانند به گوسفندان خود آب دهند. موسی آن‌ها را در این امر کمک کرد. سپس یکی از آن‌ها گفت پدرم می‌خواهد اجر تو را بدهد. وقتی موسی به خانه شعیب رفت، دختر به پدر گفت او را اجیر کن. پدر هم به حضرت موسی فرمود: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَاجٍ: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به تو تزویج کنم، به شرط آنکه در برابر آن هشت سال اجیر من باشی» (قصص: ۲۷) و موسی پذیرفت.

بسیار واضح است که در این داستان حضرت موسی پیشنهادی برای ازدواج نداشته است. چنانچه در روایات فرموده‌اند: «وقتی موسای کلیم‌الله گوسفندان آن دو دختر را آب داد و رفت زیر سایه، به خدا قسم چیزی جز نان از خدا درخواست نکرد» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۳۸). آنچه مسلم است، این است که پدر عروس به این امر ابتدا کرده و البته به اینکه خود دختر انتخاب کرده باشد تصریح نشده است، اما از آنجاکه ابتدا دختر از پدر درخواست کرد که موسی را به کار بگیرد: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ: یکی از دختران شعیب گفت: ای پدر، او را برای کارهایت استخدام کن که هم تواناست و هم درستکار؛ و بهترین کسی که استخدام می‌کنی، آن کس است که نیرومند و امین باشد» (قصص: ۲۶). در روایتی آمده است که شعیب از او پرسید: دخترکم، این که قوی است را از بلندکردن آن سنگ بزرگ فهمیدی، ولی از کجا

۱. وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام): إِنَّ مُوسَى كَلِمَةُ اللَّهِ حَيْثُ سَقَى لَهَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظَّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ وَاللَّهِ مَا سَأَلَ اللَّهُ إِلَّا خَيْرًا يَأْكُلُهُ

فهمیدی که امین است؟ دختر جواب داد: من جلوی موسی راه می‌رفتم، اما او به من گفت پشت من راه برو و اگر من مسیر را اشتباه رفتم، راه درست را نشانم بده زیرا ما قومی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم^۱ (ابن بابویه، ۱۳۱۳ق، ج ۴: ۱۹). براین اساس است که در کتاب «تنزیه الانبیاء» آمده: «اگر گفته شود چه دلیلی داشت که شعیب وقتی دخترش گفت: «پدر، او را برای کارهایت استخدام کن که هم تواناست و هم درستکار»؛ شعیب گفت: «می‌خواهم تو را به عقد یکی از دخترانم دریاورم»، درحالی‌که آن دختر درخواست نکاح نکرده بود و شعیب از حرف او خارج شد و چیزی که مقتضی آن حرف نبود را بیان کرد. پس جواب این است که وقتی از پدرش خواست او را استخدام کند و به قوی بودن و امین بودن او را مدح کرد، این حرفش دلالت می‌کرد بر اینکه به او میل داشت و می‌خواست به او نزدیک شود و مدح کردن از او دلیل بر درخواست از این است که او را به نکاح موسی درآورد. پس شعیب هم نکاح را به او مبدول داشت و این نهایت تطابق درخواست با جواب است»^۲ (علم‌الهدی، ۱۳۷۷: ۶۶).

این موضوع وقتی به قطعیت می‌رسد که در روایت دیگری از امیرالمومنین (علیه السلام) می‌پرسند: فدایت شوم، کدام دختر شعیب همسر موسی شد؟ حضرت فرمود: «همانی که به سوی موسی آمد و از او دعوت کرد و به پدرش گفت: ای پدر، او را برای کارهایت استخدام کن که هم تواناست و هم درستکار»^۳.

در این داستان معلوم می‌شود دختری که مورد تأیید قرآن است، انتخابگر بوده ولی فرایند خواستگاری و ازدواج را به پدر سپرده است.

۱. قَالَ لَهَا شُعَيْبٌ (علیه السلام) يَا بَنِيَّةُ هَذَا قَوِيٌّ فَذَنْ عَرَفْتِهِ بَرَفَعِ الصَّخْرَةَ الْأَمِينُ مِنْ أَيْنَ عَرَفْتِهِ قَالَتْ يَا أَبْتَ إِيَّيْ مَسَيْتَ قَدَامَهُ فَقَالَ امْشِي مِنْ خَلْفِي فَإِنْ ضَلَلْتُ فَأَرْشِدْنِي إِلَى الطَّرِيقِ فَإِنَّا قَوْمٌ لَا نَنْظُرُ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ.

۲. فَإِنْ قِيلَ فَمَا الْوَجْهَ فِي عُذُولِ شُعَيْبٍ (علیه السلام) عَنْ جَوَابِ بَنِيَّةٍ فِي قَوْلِهَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنْ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ إِلَى قَوْلِهِ لِمُوسَى عِ إِيَّيْ أَرِيدُ أَنْ أُكْحِكَ إِخْذِي ابْنَتِي هَاتَيْنِ وَ هِيَ لَمْ تَسْأَلِ النِّكَاحَ وَ لَا عَرَضَتْ بِهِ فَتَرَكَ إِجَابَتَهَا عَنْ كَلَامِهَا وَ خَرَجَ إِلَى شَيْءٍ لَمْ يَجْرَ مَا يَقْتَضِيهِ الْجَوَابُ قَلْنَا أَنَّهَا لَمَّا سَأَلَتْ أَبَاهَا أَنْ يَسْتَأْجِرَهُ وَ مَدَحَتْهُ بِالْقُوَّةِ وَ الْأَمَانَةِ كَانَ كَلَامِهَا دَالًّا عَلَى التَّرغِيبِ فِيهِ وَ التَّقْرِيبِ مِنْهُ وَ الْمَدْحَ لَهُ بِمَا يَدْعُو إِلَى إِنْكَاحِهِ فَبَدَّلَ لَهُ النِّكَاحَ الَّذِي يَقْتَضِي غَايَةَ الْاِخْتِصَاصِ فَمَا فَعَلَهُ شُعَيْبٌ عِ فِي غَايَةِ الْمَطَابَقَةِ لِجَوَابِهَا وَ لَمَّا يَقْتَضِيهِ سَوَالُهَا مَسْأَلَةً.

۳. قُلْتُ لَهُ جَعَلْتَهُ فِدَاكَ أَيُّهُمَا زَوْجَةً شُعَيْبٌ مِنْ بَنَاتِهِ قَالَ: الْبَنِي ذَهَبَتْ إِلَيْهِ فَدَعَعْتَهُ - وَ قَالَتْ لِأَبِيهَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ - إِنْ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ

۳-۴. بررسی انتخابگری زن در مصداق‌های روایی

در داستان ازدواج پیامبر اعظم (ﷺ) و حضرت خدیجه (علیها السلام) آمده است که خدیجه مالی را در اختیار پیامبر گذاشت تا با آن تجارت کند. پس از آنکه پیامبر شایستگی لازم را نشان داد و ماجراهایی گذشت، خدیجه به پیامبر عرض کرد: «عموزاده من! به واسطه خویشاوندی که میان من و تو وجود دارد، و عظمت و احترامی که در نزد قوم خود داری، و امانت و خوی نیکو و راستگویی که در تو هست، می‌خواهم صریحاً به تو بگویم که مایلم به همسری تو درآیم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۹).

جالب است بدانیم که در نگاه شیعه، حضرت خدیجه (علیها السلام) باکره بوده و این اهل سنت هستند که برای بالابردن مقام عایشه، می‌خواهند او را تنها همسر باکره پیامبر بدانند. درحالی‌که روایاتی از اهل سنت وجود دارد که عایشه را نیز غیرباکره می‌داند و در مقابل روایاتی وجود دارد که باکره بودن حضرت خدیجه را اثبات می‌کند. ابوالقاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت می‌گوید حضرت خدیجه را اثبات می‌کند. ابوالقاسم اسماعیل بن محمد اصفهانی از دانشمندان اهل سنت می‌گوید حضرت خدیجه، زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیاری بود، کاروان تجاری‌اش را به سوی شام می‌فرستاد و کاروان او به اندازه تمام کاروان قریش بود^۱ (الأصبهانی، ۱۴۱۲ق). ابن شهر آشوب در «المناقب» می‌نویسد پیامبر با خدیجه (علیها السلام) ازدواج کرد درحالی‌که خدیجه باکره بود. او تأکید می‌کند که در دو کتاب «الانوار» و «البدع» تأکید شده که رقیه و زینب (که دختران قبلی خدیجه دانسته می‌شدند)، دختران هاله، خواهر خدیجه بودند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۵۹).

تذکر این نکته لازم است که در روایات، مواردی هست که نشان می‌دهد در عرف آن زمان کنشگری از سوی زن وجود داشته و امر قبیحی نبوده است. مثلاً ابوسعید قماط می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم در مورد دختر باکره‌ای که سرّی و پنهان از پدر و مادرش مرا به سوی خود می‌خواند، پس این کار را بکنم؟ امام فرمود: این کار را بکن و بترس از اینکه بکارتش را از بین ببری^۲ (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۳۳).

۱. یا ابن عم قد رغبت فیک لقربتک منی و شرفک فی قومک و سطتک فیهم و أمانتک عندهم و حسن خلقک و صدق حدیثک ثم عرضت علیه نفسها.

۲. وکانت خدیجة امرأة باکرة ذات شرف ومال کثیر وتجارة تبعث بها إلی الشام فتکون عیرها کعامة عیر قریش.

۳. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَارِيَةٍ بَكَرٍ بَيْنَ أُبُوَيْهَا تَدْعُونِي إِلَى نَفْسِهَا سِرًّا مِنْ أُبُوَيْهَا فَأَفْعَلُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَاتَّقِ مَوْضِعَ الْفُرْجِ قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ رَضِيَتْ بِذَلِكَ قَالَ: وَإِنْ رَضِيَتْ فَإِنَّهُ عَارٌ عَلَى الْأَبْكَارِ.

۵. بررسی رجحان کنشگری زن در تشکیل خانواده با استفاده از نظریات علوم اجتماعی

برای اینکه معلوم شود کنشگری زن در تشکیل خانواده در عصر حاضر رجحان دارد یا خیر می‌توان از علوم اجتماعی کمک گرفت. برای این منظور از چهار دلیل استفاده شده است:

۵-۱. نظریه کنش ارتباطی هابرماس

در رساله عملیه دستور خطبه عقد این‌گونه آمده است: «اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: «زَوْجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصُّدَاقِ الْمَعْلُومِ» یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده، پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» یعنی قبول کردم، ازدواج عقد صحیح است و در خواندن عقد موقت آمده است: «اگر خود زن و مرد بخوانند صیغه عقد غیردائم ا بخوانند، بعد از آنکه مدّت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: «زَوْجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»، بعد بدون فاصله قابل توجهی مرد بگوید: «قَبِلْتُ»، صحیح است» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۳۷۵، مسئله ۲۳۶۸ و ۲۳۶۹).

بنابراین عقد نکاح یا عقد ازدواج دو طرف دارد: «ایجاب» و «قبول» که زن ایجاب‌کننده و مرد قبول‌کننده است. در حقیقت این مرد است که به زن «بله» می‌گوید، اما به صورت سنتی و بعد هم عرفی در ایران «بله» را زن می‌گوید. در حقیقت زن «بله» را به وکیل می‌گوید نه به مرد، اما عمده زنان و دختران ایرانی و خانواده‌ها - جز طلاب و علما که از این نکته آگاهند - فکر می‌کنند زن «بله» را به مرد می‌گوید و نازکردن زن در گفتن «بله» را که منجر به پرسش دوباره و سه‌باره وکیل می‌شود نشان از این می‌دانند که زن برای مرد ناز می‌کند؛ غافل از اینکه تازه بعد از گفتن این بله، وکیل می‌تواند خطبه را بخواند. این یعنی خود زن است که باید مرد انتخاب‌شده را به نکاح خود درآورد و مرد فقط می‌تواند قبول کند.

پس می‌توانیم ایجاب‌کردن زن را به معنی انتخابگری او و پیشنهاددادن به مرد تلقی کنیم. چنانچه گفته‌اند: «ایجاب در عقد ازدواج از حقوق زن است و زوجه با پیشنهاد ازدواج و بیان «أَنْكَحْتُ» و «زَوْجْتُ» برای همیشه حق زندگی مشترک را به مرد می‌دهد و زوج که طرف قبول نکاح است با بیان «قَبِلْتُ» حقوق واگذارشده را از جانب زن می‌پذیرد و در

مقابل آن مسئولیت تأمین معاش زوجه را طبق موازین شرعی، قانونی و عرف بر عهده می‌گیرد. به همین علت می‌توان در مواقعی به مرد حق داد که هر زمان احساس کند، ادامه این مسئولیت برای وی زیان‌آور است، حقوق اعطایی از جانب زن را به وی برگرداند و زوجه را رها سازد... ایجاب به معنای پیشنهاد است (اسدی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

البته مشهور فقها معتقدند تقدم ایجاب به قبول ضرورتی ندارد و با توجه به حیای زن بر اعلام اولیه پیشنهاد ازدواج به مرد، تقدم قبول مرد را بر ایجاب زن، موجب ورود خدشه‌ای به صحت عقد ندانسته‌اند (کاویار، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۳). گفتنی است حیا در انتخاب همسر معنا ندارد و آنچه باید مورد توجه باشد، حیا در ابراز تمایل جنسی به مرد است.

به علاوه، براساس نظریه کنش اجتماعی هابرماس می‌توان گفت خواندن خطبه عقد توسط دختر و پاسخ «قَبِلْتُ» پسر، یک کنش گفتاری کامل است که هر سه داعیه اعتباری، صحت، صداقت و واقعیت را دارد. واقعی است چراکه قابلیت توصیف به صدق و کذب دارد؛ صحت دارد چون در جهت رعایت هنجارهاست و جهت مخالفت‌جویانه ندارد؛ و صداقت دارد زیرا زن قصد انشا دارد و از چیزی خبر می‌دهد که اراده کرده و از آن راضی است و در مقابل، مرد نیز آن را می‌پذیرد و هر سه داعیه اعتباری را تأیید می‌کند. به علاوه می‌توان داعیه حقیقت و ولایت را در کنشگری زن دید، چون همه این گفتارها و رفتارها مبتنی بر دین الهی و توحیدی اسلام است که ریشه در نگاه ولایی دارد و گرنه ازدواج در سایر ادیان و فرهنگ‌ها نیز وجود دارد که مبتنی بر این قواعد نیست؛ مثل ازدواج شغار^۱ که کلاً در اسلام ممنوع است، یا ازدواج در سایر ادیان که از نظر اسلام مورد تأیید است، این مزایای کنشگری ارتباطی را ندارد.

بدین ترتیب براساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس، برای اینکه ازدواج در اسلام دارای مزیت صیغه عقد اسلامی باشد (ایجاب از طرف زن و قبول از طرف مرد)، بهتر است با انتخابگری زن همراه باشد، چراکه انتخابگری پیوندی ناگسستنی با ایجاب کردن دارد.

۱. پدران و در نبودن آن‌ها برادران، دختران را معاوضه می‌کردند و به هرکس که می‌خواستند می‌دادند. چون از طرفی برای خود حق ولایت و قیمومیت قائل بودند و از سوی دیگر مهر دختر را متعلق به خود می‌دانستند نه به دختر. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۵۳، ج ۱: ۲۳۹).

۲-۵. تلازم حق و تکلیف

شهید مرتضی مطهری می‌نویسد: «فزونی زنان آماده ازدواج بر مردان، این حق را برای زن ایجاد می‌کند، یا به تعبیر دیگر این تکلیف را برای مرد و اجتماع پدید می‌آورد که با پذیرش و اعمال تعدد زوجات نیاز مذکور برآورده شود» (مطهری، ۱۳۵۳). به طور خلاصه از نگاه شهید مطهری حق زن است که همسر داشته باشد و این حق متلازم با تکلیفی برای مردان است که با این زنان ازدواج کنند.

در شرایطی که مسئله متوجه زنان است، نباید از مردها انتظار داشت اقدام به انتخابگری کنند و این حق زنان است که مرد مورد نظر خود را انتخاب کنند. آن‌ها حق انتخاب دارند و اگر با این حق مردی را انتخاب کردند، بر او تکلیف می‌شود که این انتخاب را قبول کند مگر اینکه مانعی باشد؛ از این رو معیارهایی چون زیبایی زن که از مهم‌ترین شروط ازدواج برای مردان است، مردود می‌شود. حال اگر حق انتخاب با مرد باشد، درحالی‌که او ضرورتی برای ازدواج دوم و سوم نمی‌بیند یا به ازدواج مجدد مبادرت نمی‌ورزد و یا اگر چنین کند، به دنبال معیارها و امیال شخصی‌اش می‌رود و دیگر حق زنانی که عموماً مورد توجه مردان نیستند، ادا نمی‌شود؛ بنابراین بهتر است انتخابگری و در واقع کنشگری توسط زنان انجام پذیرد.

۳-۵. رابطه مری و متری یا مولا و پیرو

در خانواده اسلامی مرد بر زن ولایت دارد (راشدی، ۱۳۸۱: ۵۸۴). البته قرآن از رابطه زن و شوهر با عنوان «ولایت» یاد نکرده و تأکیدش بر «قومیت» است که از نظر مفهومی شباهت‌های زیادی به هم دارند.^۱ باید توجه داشت رابطه ولایی زن و مرد رابطه عرضی نیست بلکه طولی است؛ یعنی مهم‌ترین وظیفه مرد سرپرستی و دادن نفقه به همراه

۱. «قوم» صیغه مبالغه قائم است که از قام‌یقوم گرفته شده است. چنانچه قوم و قام با علی به کار رود به معنای مراقبت و دوام و ثبات بر کاری یا ایستادن بر پایه چیزی یا تکیه بر چیزی است. در این آیه معنای نخست، اراده شده است؛ یعنی بسیار قیام‌کننده بر امور و کارها و نیازهای زنان؛ از این رو معانی اداره، سرپرستی، کفالت، تعهد، پاسداری، حفاظت، نگاهداری و نگاهبانی، مراعات، حمایت، پایداری، پای‌ورزی، ایستادگی، گماشتگی، کارگزاری، مراقبت و مواظبت را در توضیح آن آورده‌اند، چنان‌که کم‌وبیش تعبیراتی چون ولایت، حکومت، تسلط، سیطره، احاطه، چیرگی و تکیه‌گاه‌بودن در بعضی نوشته‌ها به حوزه معنایی آن راه یافته است (عظیم‌زاده‌اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۳).

مهرورزی و محبت است (رابطهٔ بالا به پایین)، اما وظیفه زن اطاعت و تمکین از روی محبت است (رابطهٔ پایین به بالا).

بنابراین اگر مرد به زن مراجعه کند، به معنی آن است که از او بخواهد که ولایتش را بپذیرد. این امر هم جایگاه ولایت مرد را خدشه‌دار می‌کند و دست‌کم در زمان خواستگاری، او را در ولایت زن قرار می‌دهد و هم اینکه اگر قرار است زن تحت ولایت قرار بگیرد، طبیعتاً اوست که باید ولی را انتخاب کند و آغازگر این انتخاب باشد؛ چنانچه هر انسانی ولی خود را انتخاب می‌کند. یکی خدا و رسول را و دیگری طاغوت را برمی‌گزیند و اصلاً معنای مؤمن و کافر به همین انتخاب ولی برمی‌گردد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد: ۱۱). از روش برهان خلف نیز می‌توان گفت که خدا و رسول اگر متربی خود را انتخاب کنند و از او بخواهند که ولایت آنان را بپذیرد، در آن زمان از قدرت ولایت خود خارج شده‌اند و به نوعی تحت ولایت فرد قرار می‌گیرند که با جایگاه ولی و ولایت ناسازگار است. از این روست که در مقام امامت می‌فرمایند: امام به منزله کعبه است که دیگران به سوی او می‌آیند و او به سوی کسی نمی‌رود^۱ (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۳۲).

تذکر این نکته لازم است که منظور از انتخاب ولی این نیست که مردم پیامبر را ولی قرار می‌دهند، بلکه ولایت را خدا به پیامبر داده، اما مردم انتخاب می‌کنند تحت ولایت او قرار بگیرند یا نه. تذکر دیگر آنکه صفاتی چون «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَيْبِهِ» بودن در پیامبر، مثال نقض نیست بلکه شدت محبت ایشان را برای هدایت مؤمنین نشان می‌دهد و جزء وظایف پیامبری نبوده است؛ چنانچه اگر این کار را نکنند مورد ملامت و بازخواست قرار نمی‌گیرد: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: ای پیامبر، بیم آن می‌رود که تو جان خود را از غم اینکه مشرکان قوم تو به قرآن ایمان نمی‌آورند از دست بدهی!» (شعرا: ۳)؛ بنابراین این گونه نیست که پیامبر به فردی بگوید من تو را به‌عنوان پیرو خودم انتخاب کردم پس بیا و از من پیروی کن؛ بلکه او امام حقی است (أُيْمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا، انبیا: ۷۳) که در کنار امامان باطل (أُيْمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، قصص: ۴۱)، دعوت به حق می‌کند و حالا این

۱. قال رسول الله ﷺ: يا علي أنت بمنزلة الكعبة تؤتى ولا تأتى.

مردم هستند که او را به‌عنوان ولی انتخاب کنند و مؤمن شوند یا انتخاب نکنند و کافر شوند؛ بنابراین با اینکه انتخابگری توسط مرد هم ممکن است، ولی برای اینکه روابط زن و شوهر در خانواده ولایی باشد، بهتر است ابتدا زن انتخابگر باشد.

۴-۵. نظریه تطبیق در نظریات اقتصادی

نظریه تطبیق (تئوری جورسازی) در اقتصاد کارآفرینی بسیار تأثیرگذار بوده است. جورسازی (به‌هم‌رسانی یا جفت‌یابی) بخشی از مطالعات علم اقتصاد است که با سؤال «چه کسی چه چیزی به دست آورد؟» سروکار دارد؛ آن هم در موقعیت‌هایی که با تخصیص کالاهای محدود و غیرقابل تقسیم مواجهه هستیم. پرسش‌هایی چون «کدام کلیه هدایی به کدام بیمار متقاضی کلیه پیوند داده شود؟»، «کدام اتاق در اقامتگاه دانشگاه به کدام دانشجو اختصاص یابد؟»، «کدام دانش‌آموز در کدام مدرسه پذیرفته شود؟» یا «کدام پزشک فارغ‌التحصیل در کدام بیمارستان استخدام شود؟» از این دست هستند. به طور ساده این حوزه از مطالعات اقتصادی که سابقه چندانی هم در ادبیات اقتصادی ندارد، حاصل تلفیق تلاش‌های نظری برخی ریاضی‌دانان و کاربردی‌سازی برخی اقتصاددانان بوده است.

نظریه «تطبیق پایدار» که توسط گیل و شاپلی مطرح شده است، به بررسی پایداری ارتباط زن و مرد می‌پردازد. در این نظریه دو دسته مساوی از زن و مرد در نظر گرفته می‌شود. در ابتدا مردان زنان را درجه‌بندی کرده به بهترین آنان پیشنهاد می‌دهند. این الگوریتم بارها تکرار می‌شود تا هیچ زن و مرد مجردی باقی نمانند؛ یعنی اگر مجموعه‌ای از مردها و مجموعه‌ای از زنها داشته باشیم که هریک دارای اولویت‌هایی برای ازدواج باشند، حتماً راهی وجود دارد که در نهایت امکان ندارد دو نفر که یکدیگر را می‌خواهند (و در اولویت یکدیگر هستند) با یکدیگر نباشند. در واقع طبق این الگوریتم حتماً راهی هست که هر کس به آن کسی که می‌خواهد برسد. مطلب مهمی که در این نظریه بحث می‌شود، آن است که اگر زنان پیشنهاددهنده باشند، تطبیق پایدار در دور اول محقق می‌شود ولی اگر مردان انتخابگر باشند، این اتفاق دیرتر می‌افتد. ازدواج ناپایدار در این نظریه به این معنی است که مرد و زنی وجود داشته باشند که با یکدیگر جفت نشده‌اند اما یکدیگر را به جفت‌های فعلی خود ترجیح دهند (رضائی، ۱۳۹۶: ۵۵).

اگر قبول کنیم ازدواج مسئله زن و مسئولیت مرد است و اگر مسئله ما پایداری خانواده است، این نظریه می‌تواند پایداری را دقیق‌تر نشان دهد؛ از این رو برای داشتن خانواده پایداری، بهتر است انتخابگری توسط زنان انجام شود.

۶. الگوی پیشنهادی کنشگری زن در تشکیل خانواده

مشخص شد در هر دو رویکرد سنتی و مدرن ازدواج، زن انتخاب می‌شود و همین موجب تشکیل خانواده‌های عمدتاً نامطلوب است. پیشنهاد این تحقیق برای حل مسئله، «کنشگری فعال زن در تشکیل خانواده» است که در مرحله تشکیل با «انتخابگری» آغاز می‌شود. انتخابگری با خواستگاری فرق دارد و هرگز خواستگاری کردن زن از مرد مدنظر نیست و بلکه به حکم تاریخ و سنت، سفارش نمی‌شود. آنچه منظور است، تفکیک امر انتخابگری از خواستگاری است. توضیح آنکه در فرهنگ امروزی، انتخابگری و خواستگاری یک مفهوم و هم‌زمان تلقی می‌شود و اختیار آن تقریباً به طور کامل در دست مرد است، اما اگر انتخابگری را از خواستگاری تفکیک کنیم، این امکان وجود دارد که خواستگار همچنان مرد باشد ولی انتخابگری در اختیار زن یا خانواده او قرار گیرد.

با این توضیح، انتخاب کردن امری ذهنی و جوانحی، ولی خواستگاری امری عینی و جوارحی است؛ یعنی فرد برای انتخاب، مجموعه معیارهایی را در نظر می‌گیرد و در مرحله بعد، آن معیارها را بر مصداق تطبیق می‌دهد. حالا آن مصداق ممکن است توسط خود دختر پیدا شود، یا پدر یا فرد دیگر. پس از این مرحله انتخابگری، فرد انتخاب شده به نوعی مطلع می‌شود و اگر او نیز با این جریان انتخاب موافق بود، به خواستگاری دختر می‌آید. باید توجه داشت که بالاخره در ذهن هر مردی نیز فرایند انتخاب اتفاق می‌افتد و او نیز باید نسبت به انتخابی که دختر کرده است، انتخاب کند و تأیید یا رد کند، اما تفاوت این دو انتخاب آن است که انتخاب زن فعال و مقدم، و انتخاب مرد منفعل و متأخر است و نقش اصلی او در زمان خواستگاری مشخص می‌شود.

نمونه این مورد ازدواج حضرت خدیجه (علیها السلام) و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) است که انتخاب توسط زن بود اما مرد به خواستگاری او آمد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶: ۹). در ازدواج حضرت موسی و دختر حضرت شعیب که شاید تنها داستان تفصیلی ازدواج در قرآن است، پدر دختر به داماد می‌گوید که او را انتخاب کرده است (علم‌الهدی، ۱۳۷۷: ۶۶).

بیان این نکته لازم است که پیشنهاد حاضر بر حضور بی‌حد و حصر زن در اجتماع به بهانه انتخاب، تأکیدی ندارد و راه‌های زیادی را پیش پای او می‌گذارد که از جمله می‌توان به نقش واسطه‌گری (که امروز از جانب پسر به دختر مرسوم است) اشاره کرد؛ بدین ترتیب که واسطه‌ها برای دختر پیشنهاد بیاورند و او را در انتخاب کمک کنند و بعد از تأیید او، از پسر بخواهند که به خواستگاری او برود. این واسطه‌گری اگر از سوی خانواده دختر و مخصوصاً پدر او صورت بگیرد، بسیار ارزشمندتر خواهد بود. در حقیقت اسلام با تأکید بر اجازه پدر در ازدواج دختر، جایگاه او را در این مورد به رسمیت شناخته است. همچنین می‌توان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را یکی از راهکارهای عملی شدن این نظریه دانست. اگرچه معمولاً استفاده از این شبکه‌ها منفی تلقی می‌شود (برات‌دستجردی، ۱۳۹۱: ۷۲-۶۹)، اما به نظر می‌رسد بتوان راهکارهای خوبی برای استفاده بهینه از آن‌ها در ازدواج اسلامی ارائه کرد.

یکی از آسیب‌هایی که ناشی از درست‌نفهمیدن یا درست‌اجرا نکردن نظریه کنشگری فعال زن در تشکیل خانواده است، «هنجارشکنی نسل جوان به‌ویژه دختران» است. باید توجه داشت که دختران جامعه امروز خواه‌ناخواه کنشگر شده‌اند و کنشگری آن‌ها در هنجارشکنی‌هایشان نمود دارد. این کنشگری که اغلب در بی‌حجابی و خودنمایی زنان دیده می‌شود، ریشه در نگاه مدرن برای ازدواج دارد که دختر برای انتخاب شدن سعی می‌کند جلوه‌گری کند تا بتواند پسر یا پسرانی را به خود جذب کند. او گمان می‌کند به این وسیله قدرت انتخاب خود را بالا می‌برد ولی در واقع تفاوت‌چندانی با دخترانی که به طور سنتی منتظر خواستگار می‌مانند، ندارد زیرا هر دو گروه دایره انتخاب خود را به پسران انتخابگر محدود کرده‌اند و در واقع آزادی انتخاب ندارند. این کنشگری که در بخش اول در بی‌حجابی هنجارشکنی می‌کند، در بخش دوم به مصداق‌هایی برای ازدواج می‌رسد و هنجارشکنی دوم را کلید می‌زند، اما در نظریه کنشگری فعال، اولاً دختر صرفاً انتخابگر و خواستار است و نه خواستگار، و ثانیاً با مشورت و حمایت خانواده و مخصوصاً پدر، مسیر عقیفانه‌ای را برای تشکیل خانواده طی می‌کند که نه تنها منجر به هنجارشکنی نمی‌شود، بلکه ایجاد خانواده به مراتب پایدارتری را رقم می‌زند.

۷. نتیجه‌گیری

ازدواج نامطلوب را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل خانواده‌ناپایدار دانست که دیر یا زود به جدایی می‌انجامد و گاه با طلاق عاطفی ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد قدرت انتخاب اندک دختران و زنان در ازدواج عامل بسیار مؤثری در این ازدواج نامطلوب است؛ به طوری که آنان به خاطر نبود خواستگار مطلوب، یا باید زندگی نامطلوب را تشکیل دهند و یا به تجرد روی آورند که هر دو خطرناک است.

تحقیق حاضر با نقد دو رویکرد سنتی و مدرن در تشکیل خانواده، می‌خواهد ببیند آیا برای دختران و زنان ظرفیت کنشگری بیشتری وجود دارد یا خیر؟ از این رو به بررسی رجحان کنشگری زن می‌پردازد و علاوه بر منابع دینی، از علوم اجتماعی نیز بهره می‌گیرد و از این رهگذر با بررسی صیغه عقد که از سوی زن ایجاب می‌شود و توسط مرد پذیرفته می‌شود، نتیجه می‌گیرد این صیغه «کنشی ارتباطی» از سوی زن است و می‌تواند نشان از قدرت کنشگری بیشتر او باشد. به علاوه تلازم حق و تکلیف حکم می‌کند دختران و زنانی که معمولاً از جانب مردان انتخاب نمی‌شوند، خود حق انتخاب داشته باشند و بتوانند برای ازدواج بیشتر از پیش کنشگر باشند. اگر روابط درون خانواده دینی را روابط ولایی، و مرد را ولی بدانیم نیز منطقاً باید قدرت انتخاب مرد را در اختیار زن قرار دهیم تا او بتواند مرد را به‌عنوان ولی بپذیرد. نظریه تطبیق در اقتصاد نیز نشان می‌داد که اگر انتخاب در اختیار زن باشد، خانواده پایدارتر خواهد شد.

در شواهد نقلی و استفاده از منابع دینی نیز اثبات شد که در این منابع، کنشگری توسط زنان رجحان دارد و با مثال دختران شعیب (علیهم‌السلام) الگویی از این نوع ازدواج را معرفی کردیم. به علاوه سیره پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ازدواج با حضرت خدیجه نیز شاهد روایی معتبری است که در کنار روایات دیگر می‌تواند کشف از سنت کند؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط امروزی، کنشگری زن در تشکیل خانواده به دلایل مختلفی از جمله وجود ازدواج‌های ناپایدار، رجحان دارد.

پیشنهاد می‌شود به دنبال این پژوهش، پژوهش‌های دیگری نیز صورت بگیرد که به تکمیل این نگاه کمک کند. از جمله موضوعات پیشنهادی عبارتند از: بررسی شاخصه‌های کنشگری زن در تشکیل خانواده، بررسی پیامدهای کنشگری زن در تشکیل خانواده، و بررسی وضعیت موجود کنشگری زن در تشکیل خانواده.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- برات دستجردی، ن. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان». رسانه و فرهنگ، صص ۶۵-۸۲.
- بستان، ح. (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جوادی‌آملی، ع. (۱۳۷۸). زن در آئینه جلال و جمال. قم: دارالهدی.
- حاجی محمدی، ط. (۱۳۹۲). «زمینه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بدحجابی از دیدگاه قرآن». کوثر، ۴۶، صص ۱۳۸-۱۱۷.
- حسن‌زاده‌آملی ح. (۱۳۶۵). نصوص الحکم برفصوص الحکم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- خامنه‌ای، س. (۱۳۹۲). خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری. تهران: مؤسسه جهادی مرکز صهبا.
- خمینی، س. ر. (۱۳۹۱). رساله توضیح‌المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوش‌منش، ا. (۱۳۸۹، بهار). «بررسی تحلیلی و تطبیقی مفهوم زن و زادن در سیاق سوره‌های قرآن». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۶، صص ۵۴-۲۵.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راشدی، ل. (۱۳۸۱). رساله توضیح‌المسائل چهار مرجع. تهران: پیام محراب.
- راینر، ش. (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر نی.
- رضائی، م. (۱۳۹۶). «چگونه نظریه‌بازی‌ها به بهبود زندگی کمک می‌کند؟ درآمدی بر نظریه‌جورسازی پایدار و کاربردهای آن». ریاضی و جامعه، صص ۶۸-۵۱.
- شبیبر، م. (۱۳۷۹). «زن در نگاه فمینیسم و علم سیاست». کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص ۳۴-۳۲.
- شفیق، غ. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی پیش‌فرض‌ها و زمینه‌های اجتماعی نظریه «کنش اجتماعی» تالکوت پارسونز». معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۵۳.
- شفیعی‌مازندرانی، س. (۱۳۹۰). «چیستی حجاب اسلامی؛ معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب». پژوهش‌های فقهی، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹.
- صادقی، م. (۱۳۸۷). «اهل تسنن و ازدواج مسیار». مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۰، صص ۶۸-۴۵.

بررسی رجحان کنشگری زن (محمدحسین شاه‌آبادی، حسین بستان نجفی) *فصلنامه علمی و پژوهشی* ۶۲۷

عظیم‌زاده اردبیل، ف. (۱۳۸۳). «بررسی معناشناختی و جایگاه قوامیت مرد و حقوق انسانی زن از نظر قرآن و مقایسه با کنوانسیون رفع تبعیض»، کتاب نقد، شماره ۳۰، صص ۳۵-۲۰.
علم‌الهدی، ع. (۱۳۷۷). *تنزیه الأنبياء عليهم السلام*. قم: دارالشریف رضی.
غمامی، س. (۱۳۹۳). «روی آورد قرآنی دعوت، کنش ارتباطی هابرماس و نظریه دریافت هال؛ رویکردی تطبیقی - انتقادی». *پژوهشنامه تبلیغ و ارتباطات دینی*، شماره ۳، صص ۱۳۰-۱۰۵.

قرایی، ا. (۱۳۹۰). چند درصد طلاق با درخواست زنان است؟ بازایی از فردانیوز: www.fardanews.com/
کلینی، م. ب. (۱۴۲۹ ق). *اصول کافی*. قم: دارالحديث.
مجلسی، م. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار (ط - بیروت)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
محزون، ع. (۱۳۹۱). *مقایسه نرخ ازدواج و طلاق در ایران با سایر کشورها*، بازایی از خبرگزاری انتخاب: www.entekhab.ir/

مطهری، م. (۱۳۸۷). *آزادی معنوی*. تهران: صدرا.
میرزاحمدی، م. (۱۳۸۹). «تربیت ولایی؛ اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی». *دوفصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۳، صص ۴۶-۷.
وبر، م. (۱۳۷۴). *مفاهیم اساس جامعه‌شناسی*. تهران: نشر مرکز.
ورام بن اَبی فراس، م. ب. (۱۴۱۰ ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
هابرماس، ی. (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی (پولادی، مترجم)*. تهران: نشر مرکز.